

### متن پرسش

سلام علیکم استاد گرامی: ببخشید اگر سوالم بسیار ناشیانه بوده باشد اما در مورد قاعده الواحد می‌خواهم بدانم چطور عقل اولی که از وجود واحد مطلق بعنوان معلول واحد صادر شده است دارای کثرت هست در حالیکه علتش بسیط بوده؟ آیا وقت صدور می‌تواند سنخیت خویش را با علتش از دست بدهد؟ ممنون

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در جزوه «تاریخ فلسفه و کلام اسلامی» بحث مفصلی در این مورد شده است. از جمله؛ از نظر فارابی از واحد جز واحد صادر نمی‌شود «أَنَّ الْوَاحِدَ لَا يَضْدُرُّ عَنْهُ إِلَّا وَاحِدٌ» [۱] و صادر اول عقل اول است که در اثر علم واجب تعالی به ذات خود و بر اثر رحمت، ایجاد و خلق گشته، یعنی علم داشتن خداوند به چیزی با خلق کردن برابر است، زیرا کافی است شیئی تصور شود تا وجود یابد. حال عقل اول که به این صورت ایجاد شد، نسبت به خود ممکن و نسبت به دیگری واجب است و در آن واحد به واحد و به ذات خویش می‌اندیشد، پس دو جنبه دارد، و از این طریق اولین مرحله بسوی کثرت شروع می‌شود. از عقل اول در اثر تفکر درباره واحد، عقل دیگری صادر می‌شود و در اثر تفکر درباره خود به عنوان ممکن فی حد ذاته، ماده صادر می‌گردد و آسمان اول تحقق می‌پذیرد. سلسله ی فیضان یکی پس از دیگری ادامه می‌یابد تا ده عقل و نه فلك. عقل دهم یا عقل آخر یا عقل فعال همان عقلی است که دایر مدار عالم تحت قمر است و از این عقل است که نفوس بشری و عناصر اربعه صادر می‌گردد. برای بحث بیشتر می‌توانید به آن جزوه که روی سایت هست، رجوع فرمایید. موفق باشید

[۱] - تلخیص کتاب ما بعد الطبیعه، ص: ۱۵۳